



حقوق بشر در حقوق خصوصی

حسین علوی پور

چکیده

نفوذ حقوق بشر در حقوق خصوصی یا به عبارت دیگر اساسی شدن حقوق خصوصی از جمله مباحث نسبتاً جدید در استدلال حقوقی است که موضوع پژوهش حاضر را تشکیل میدهد. اعمال حقوق بشر در حقوق خصوصی به زمینه قضایی و قانونگذار و شیوه استدلال بستگی دارد. نظام حقوقی کشورهای مختلف عکس العمل یکسانی در قبال این مسئله ندارند. اعمال مستقیم، اعمال غیرمستقیم، اعمال قضایی و عدم اعمال خلاصه این واکنشهاست. نظام حقوقی ایران ظرفیت اعمال مستقیم حقوق بشر در حقوق خصوصی را دارد. اگر چه دادگاهها از این ظرفیت استفاده نمیکنند اما میتوان در راه تحقق عدالت توزیعی و برای تعدیل اصل آزادی قراردادی از ظرفیت حقوق بشر و حقوق اساسی استفاده نمود. میتوان از مفهوم کرامت انسانی در ارزیابی شروط قراردادی و دفاع از حقایق غیرقابل اسقاط بهره‌گرفت و موارد ناقض حقوق بنیادین را از مصادیق مسلم مخالف با نظم عمومی به شمار آورد. در این پژوهش شیوه‌ها و زمینه‌های اعمال حقوق بشر در حقوق خصوصی مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، حقوق خصوصی، آزادی اراده



مقدمه:

شناسائی حریم خصوصی به عنوان یکی از اساسی‌ترین الزامات زندگی انسان در دنیای امروز، امری واضح و مبرهن است. حق داشتن حریم خصوصی از یک سو و حمایت و پشتیبانی و داشتن ضمانت اجرا در صورت نقض و تجاوز به آن از سوی دیگر از جمله دغدغه‌های حکومتها، دولت‌ها و قانونگذاران به عنوان مهمترین و اثرگذارترین عاملان در این زمینه بوده است. حقوق بشر، حقوق بنیادین و پایه ایی است که هر انسان از آن جهت که انسان است، فارغ از رنگ، نژاد، زبان، ملیت، جغرافیا و اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت ممتاز و فردی و هر عنوان عارضی دیگر بر او، از خداوند دریافت کرده است.

از نظر شهید مطهری: وقتی خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ كَرَّمْنَا» مقصود این نیست که در یک معاشرتی که با انسان داشتیم او را احترام کردیم و بالا دست موجودات دیگر نشان‌دهیم؛ مقصود این است که این کرامت و شرافت و بزرگواری را در سرشت و آفرینش او قرار دادیم. اصلاً کرامت و عزت و بزرگواری جزء سرنوشت انسان است. انسان اگر خود را آنچنان که هست بیابد، کرامت و عزت را می‌یابد. کرامت انسان ودیعه الهی است که به عنوان یک اصل باید مورد توجه همگان، اعم از افراد و دولت‌ها قرار بگیرد. رعایت این اصل در تبیین و تضمین حقوق بشر نقش بسیار برجسته ای ایفا می‌کند

بیان مسئله:

اساسی کردن حقوق خصوصی عبارت است از افزایش تأثیر حقوق بنیادین در روابط میان اشخاص خصوصی، همچنین منظور از حقوق بنیادین حقوقی است که خاستگاه اولیه آن روابط میان فرد و دولت است. آزادیها و حقوقی که در قوانین اساسی کشورها تحت عنوان حقوق فرد یا حقوق ملت از آنها یاد میشود. در خصوص اعمال حقوق بشر در حقوق خصوصی دو سؤال مهم قابل طرح است، نخست اینکه در کدام یک از زیرشاخه های حقوق خصوصی میتوان از اعمال حقوق بشر سخن گفت؟ دوم اینکه منظور از اعمال و تأثیر حقوق بشر در حقوق خصوصی چیست؟



منهوم حقوق بشر

هرچند اصطلاح حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ وارد گفت و گوهای روزمره شد، اما این واژه جایگزین اصطلاح «حقوق طبیعی» و «حقوق انسان» شده که قدمتی دیرینه دارند. حقوق بشر از جمله مفاهیمی است که تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. حقوق بشر به فرانسه Droits Lhomme و به انگلیسی Human Rights و به عربی حقوق الانسان نامیده می شود. حقوق بشر مجموعه حقوقی است که به ساکنان یک کشور، اعم از بیگانه و تبعه در مقابل دولت داده شود، که شامل پاره ای از حقوق مدنی و سیاسی مثل آزادی و برابری و مساوات و مقاومت در برابر تجاوز و تعدی و مصونیت جان و مال و خانه جزء آن است. در مسئله حقوق بشر امر تابعیت، مذهب، نژاد و یا جنس نباید دخالت داده شود، زیرا این حداقل حقوقی است که انسان در هر جا که هست باید از آن برخوردار باشد. کمیت حقوق بشر بستگی به طرز فکر اکثریت یک ملت و تمدن و فرهنگ و سوابق تاریخی آن و مسائل دیگر دارد.

حقوق بشر

حقوق بشر اساسی ترین و ابتدایی ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری، به صرف انسان بودن از آن بهره مند می شود

این تعریف ساده عواقب، بازتاب اجتماعی و سیاسی مهمی را برای مردم و حکومت ها به دنبال دارد.

ویژگی های حقوق بشر:

مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین المللی این حقوق ویژگی هایی را دارا هستند که می توان به مواردی همچون جهان شمولی، غیرقابل سلب بودن، تبعیض ناپذیری، برابری و نیز انتقال ناپذیری، تفکیک ناپذیری، برابری طلبی و به هم پیوستگی و درهم تنیدگی از دیگر مواردی است که می توان به آن اشاره کرد. از این رو به تمامی افراد در هر جایی از جهان تعلق دارد و هیچ کس را نمی توان از این حقوق محروم کرد، ضمن این که همه افراد فارغ از عواملی چون نژاد، ملیت، جنسیت، مذهب، گرایش جنسی، رنگ، زبان و غیره در برخورداری از این حقوق با هم برابرند و هیچ گونه تمایز، ارجحیت، محدودیت و محرومیت در بهره مندی از این حقوق ندارند و این حقوق قابل نقض نیستند.

این حقوق شامل حقوق طبیعی یا حقوق قانونی که در قوانین ملی و بین المللی موجودند، می شود. متخصصین و فعالان حقوق بشر در فعالیت های بین المللی خود در زمینه حقوق بین الملل، نهادهای جهانی و منطقه ای، سیاست های دولتی و در فعالیت های سازمان های غیردولتی، اساس و شالوده سیاست های عمومی و اختصاصی در این زمینه را بنا نهاده اند. در واقع می توان گفت در صورتی که جامعه جهانی در فضای صلح و با یک زبان مشترک اخلاقی، گفتگو و مباحثه



کنند، این زبان مشترک اخلاقی، در واقع حقوق بشر نامیده می‌شود. با این وجود هنوز امروزه متخصصان حقوق بشر، نظریه‌هایشان را در این مورد با شک و تردید بیان می‌کنند و مباحثه آن‌ها بیش‌تر در زمینه محتوا، ماهیت و چگونگی توجیه حقوق بشر است. در واقع، پرسش بحث‌برانگیز همانا خود معنای حق یا حقوقی است که باید به رسمیت شناخته شود و این بحث در گفتمان‌های فیلسوفان همچنان ادامه دارد.

بسیاری از ایده‌های اساسی که محرک جنبش حقوق بشر بود، بعد از جنگ جهانی دوم و جنایات هولوکاست گسترش و توسعه یافت، و با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در پاریس توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ به اوج خود رسید و به رسمیت شناخته شد. در جهان باستان، مفهوم حقوق بشر به گونه‌ای که امروزه وجود دارد نبود. بلکه در جوامع باستانی به صورت مجموعه‌ای مفصل از وظایف بود، که مفاهیمی از جمله، عدالت، مشروعیت سیاسی، شکوفایی انسان که در پی دستیابی به کرامت انسانی حاصل می‌شود یا خوب بودن، فارغ از عنوان و مفهوم حقوق بشر وجود داشت. معنی مدرن و امروزی حقوق بشر در اوایل دوره مدرن و همراه با سکولاریزاسیون اروپایی از اخلاق یهودی-مسیحی گسترده‌تر شد و مفهوم آن تغییر یافت. در واقع حقوق بشر از مفهوم حقوق طبیعی گرفته شده است. حقوق طبیعی، نظریه‌ای است که در آن قوه قانون‌گذار به گونه‌ای عینی و منطقی محدود می‌شود. مطابق این مکتب، منطقی بشری، بنیادهای قانون را از طبیعت الهام می‌گیرد، و از طریق قانون طبیعت، ضمانت اجرایی به دست می‌آورد و در واقع بخشی از سنت حقوق طبیعی قرون وسطایی به شمار می‌رود که در دوره روشنگری توسط فیلسوفانی چون جان لاک، فرانسیس هابسون، ژان ژاک بورلاماکی و غیره تا حدود زیادی مفهوم مدرن پیدا کرد و در گفتمان سیاسی و انقلاب آمریکا و انقلاب فرانسه هرچه بیش‌تر توجه جامعه جهانی را به خود جلب کرد؛ لذا بر این اساس، نظریه مدرن حقوق بشر، در طول نیمه دوم قرن بیستم، پدید آمده است

اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در ده دسامبر ۱۹۴۸ میلادی به صورت قطعنامه شماره ۲۱۷ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. این اعلامیه جنبه جهانی به خود گرفت و همه کشورها ملزم به رعایت آن شدند. اعلامیه جهانی حقوق بشر مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده است: در مقدمه اعلامیه اندیشه‌های زیربنایی است که الهام بخش نویسندگان اعلامیه در تدوین مواد بعدی بوده است مانند وحدت خانواده بشری، کرامت و ارزش شخص انسان، حقوق بنیادی (قانونی و غیرقابل انتقال) مرد و زن، پیامدهای اسفبار تجاوز به حقوق بشر، بالاخره رابطه بین احترام و رعایت این حقوق در نظام داخلی و برقراری صلح بین ملت‌ها.

در ماده ۱ اعلامیه سه اصل کلی که زیربنای حقوق بشر است مطرح شده که عبارت است از آزادی، برابری و برادری. ماده ۲ اعلامیه نیز بر اصل عدم تبعیض تاکید دارد: هر کس می‌تواند از حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه بدون تفاوت از لحاظ نژاد، جنس، زبان، مذهب، چنانکه منشور ملل متحد آرزو می‌کند، برخوردار شود. همچنین بدون



تفاوت از لحاظ رنگ، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر، همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، تولد یا هر موقعیت و نیز وضع سیاسی، حقوقی یا بین المللی کشور یا سرزمینی که شخص به آن تعلق دارد.

مواد ۳ الی ۲۱ درباره حقوق مدنی و سیاسی؛ بدین صورت که؛ مواد ۳ تا ۱۱ در خصوص حقوق و آزادی های شخصی است. مواد ۱۲ تا ۱۷ مربوط به حقوق بنیادی فرد در رابطه با خانواده، سرزمین و اشیاء جهان خارج می باشد. مواد ۱۸ تا ۲۱ شامل آزادی های عمومی و حقوق سیاسی بنیادی است.

مواد ۲۲ الی ۲۷ درباره حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مواد ۲۸ تا ۳۰ وجود سیستمی را که تحقق حقوق بشر در آن ممکن و میسر می باشد جزو حقوق اصلی بشر قلمداد کرده است.

آنچه از مطالعه اعلامیه جهانی حقوق بشر بدست می آید، علت و انگیزه اصلی تهیه کنندگان و تنظیم کنندگان این حقوق جنبه های انسانی بوده و مقصود و هدف آنان کاستن از درد بشریت و نگرانی هایی که ناشی از مزاحمت ها و تصادم های خانمان سوز میان افراد بشر بوده است. خصوصاً مصائب و بلاها و مشکلاتی که بعد از جنگ جهانی دوم بر بشریت عارض شد.

کرامت انسانی

با توجه به اینکه کرامت انسان جزء اصول و پایه های حقوق بشر بویژه حقوق بشر اسلامی است لازم است در این خصوص نگاه اسلام به این موضوع تبیین شود.

از دیدگاه اسلام، انسان ذاتاً دارای کرامت است؛ کرامتی که منسوب به خداوند است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰)؛ انسان دارای روح الهی و مسجود ملائکه (حجر: ۲۹) و خلیفه خدا در زمین است. (بقره: ۲۰)

کرامت ذاتی - انسانی، کرامتی است که در متن تکوین و آفرینش انسان مطرح است. ستایش انسان به دلیل داشتن این وصف، در واقع مدح پروردگار کریم است؛ چون خداوند انسان را ذاتاً و فی نفسه بر سایر موجودات ظاهری و باطنی، برتری و فضیلت داده است. این صفت مربوط به مقام انسانیت است. انسان، مادام که با اراده خود از طریق ارتکاب جنایت و خیانت بر خویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکند، شایسته تکریم است: «ما آدمیادگان را گرامی داشتیم.» (اسراء: ۷۰)

مبانی حق بر حریم خصوصی

امروزه حق بر حریم خصوصی در اسناد بین المللی حقوق بشر و نیز در حقوق اساسی اغلب کشورها یک حق بنیادین محسوب می شود. تحولات مدرن سیاسی در روابط شهروند-دولت و نیز پدیداری فناوری های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی هم بر اهمیت آن افزوده است به گونه ای که در حال حاضر حمایت جامع از آن یک ضرورت به شمار می آید. ولی با این حال تا کنون در نظام حقوقی ایران قانون مستقلی که از این حق حمایت کند به تصویب نرسیده است و قوانین پراکنده نیز سطح حمایت کافی را در پی ندارند و بایستی مقنن ایران چاره ای در این زمینه بیاندیشد. اما



در این میان ماهیت پیچیده و متعارض حق بر حریم خصوصی که چالش‌های اساسی میان حقوق فردی و حقوق جمعی مانند امنیت و حق عموم بر دانستن و گردش آزاد اطلاعات، به وجود می‌آورد، این نکته را خاطر نشان می‌سازد که تقنین در این حوزه امری دشوار است و برای موفقیت در این زمینه بایستی مفهوم واقعی و نیز حقوقی این حق شناخته شود و مبانی آن به عنوان اولین گام فرآیند منطقی تقنین، مورد بررسی قرار گیرد.

بررسی ماهیت حق بر حریم خصوصی گویای این نکته است که این حق در رابطه فرد و جامعه تعریف می‌شود فلذا عناصر هستی‌شناختی آن عبارتند از: انسان، جامعه و رابطه میان فرد و جامعه. تعریف این عناصر در هر نظام حقوقی، رویکرد آن نظام حقوقی به حق بر حریم خصوصی را شکل می‌دهد. از سوی دیگر حق بر حریم خصوصی با حقوق بنیادین دیگر به ویژه کرامت، آزادی، برابری، امنیت و مالکیت خصوصی رابطه دوسویه دارد و مبانی مشترکی میان آنها قابل تعریف است. بنابراین شناسایی دقیق آنها می‌تواند مبانی حق بر حریم خصوصی را آشکارتر سازد. در نهایت سابقه حقوقی و به ویژه مصادیق فقهی حمایت از این حق وفق قاعده تلازم عقل و شرع می‌تواند مبنای مناسبی برای حمایت از حق بر حریم خصوصی ایجاد کند.

جایگاه حقوق بشر در فقه

دنیای امروز از حقوق بشر، به عنوان حوزه ای مهم و موثر از علم حقوق یاد می‌کند و در عصر حاضر نیز محور اصلی توجهات جهانی محسوب می‌شود. در این راستا با مراجعه به منابع اسلامی، می‌توان به روشنی به این حقیقت پی برد که اسلام، جایگاه ویژه ای به حقوق بشر مفروض نموده و قرن‌ها پیش از شکل‌گیری و تدوین مفاهیم حقوق بشری، در قالب اصول و قواعد دینی خود، از جمله کرامت انسانی، آزادی، مساوات، برخورداری از امنیت و احترام به مالکیت خصوصی و... در این حوزه صاحب نظر بوده است. به تعاقب اسلام نیز فقه به عنوان برنامه عملی و چارچوب اعتقادی مسیر اسلام در حوزه حقوق بشر احکام و نظریاتی را ارائه نمود و در واقع حقوق بشر جایگاهی عمیق در جغرافیای گسترده فقه از خود بر جای گذاشت.

. لذا در حقوق بشر برگرفته از فقه هرچقدر بتوان از اقتضات اجتماعی و سیاسی منبعث شد به همان میزان مسیر دستاوردهای جدید حقوق بشری نیز فراهم می‌شود که در تفکرات تنورسین های فقهی و حقوقی عصر حاضر نیز این امر ملموس و مشهود می‌باشد.

حقوق بشر در اسلام

اسلام به عنوان مجموعه تعالیم الهی و متشکل از اصول و فروع، نظام حقوقی ویژه‌ای را پدید آورده است. و بنابراین پاسخ مسئله فوق را در چارچوب این اصول می‌توان یافت. البته با توجه به برداشتهای مختلف از این اصول که نحله‌های متعدد کلامی و فقهی ناشی از آن است؛ طرح نظریه‌ای واحد و منسجم در این باب بسیار دشوار است. برای حل این مشکل توجه به نکات ذیل مفید به نظر می‌رسد:



الف) علی‌رغم تعدد برداشتها، تکیه به قدر مشترک و یا متیقن از اصول در همه موارد غیر ممکن نیست. برای نمونه گرچه اصل خدا محوری را متکلمین (معتزله، اشاعره، شیعه و غیره)، عرفا و فلاسفه تفسیر کرده‌اند. ولی اصل اعتقاد به موجودی برتر از انسان قدر مشترک همه این اقوال است و چنین مبنایی با اصول حقوق بشر غرب سازگاری چندانی ندارد.

ب) در مواردی که اختلاف برداشتها، طیف ناهمگونی از سازگاری و ناسازگاری را به دنبال دارد می‌توان با تمرکز بر نظریه‌ای مشهور به نتیجه‌گیری پرداخت و در صورت لزوم، به اجمالی به نظریات بدیل نیز اشاره کرد. سنجش و نقد حقوق بشر غرب مبتنی بر این است که ابتدا تعریف حق و تفاوت آن را با واژه‌هایی نظیر تکلیف و امتیاز مشخص نماییم. سپس به ارزیابی آنچه تحت عنوان مبانی نظری حقوق بشر از آن یادشد، همت گماریم.

قلمرو دین و حقوق بشر

تعالیم دینی متشکل از گزاره‌هایی است که متضمن اثبات حکمی و یا هنجاری برای موضوعی باشد. برای نمونه می‌توان از گزاره‌های، خداوند وجود دارد، قیامت وجود دارد و عبادت خداوند لازم است و غیره یاد کرد. بدیهی است گزاره‌ها در صورتی موصوف به «دین» می‌شوند که مستند به وحی باشند. از طرف دیگر موضوعات گزاره‌های دینی به همه مفاهیم تعمیم نمی‌یابد، بلکه برخی از مفاهیم وجود دارد که اصلاً موضوع چنین گزاره‌هایی واقع نشده‌اند (نظیر مفاهیم مستحدثه). با توجه به این مطالب می‌توان گفت منظور از قلمرو دین، حوزه‌هایی است که گزاره‌های دینی مستقیم یا غیر مستقیم به آن پرداخته‌اند و موضوع قضایای دینی قرار گرفته‌اند، درباره اینکه آیا شناخت انسان و حقوق بشر در محدوده دخالت دین قرار دارد یا نه؟ دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد

قراردادگرایی یا عینیت‌گرایی

در بحث مربوط به خاستگاه حقوق نظریات گوناگونی طرح شده است که با دو دیدگاه اساسی ارتباط پیدا می‌کند: **الف. قراردادگرایی:** براساس این دیدگاه آنچه موجد حق است؛ صرفاً قرارداد اجتماعی است. طرفداران این نظریه چنین استدلال می‌کنند که حقوق اموری هستند که پس از تشکیل جامعه مطرح شده و معنا پیدا می‌کنند و بدون جامعه، وجودی برای آنها متصور نیست از آنجا که تشکیل جامعه براساس قرارداد تحقق می‌یابد، بنابراین حقوق نیز نمی‌تواند جز قرارداد، خاستگاهی بیابد.

علاوه بر این، توافق نیافتن ملل گوناگون در خصوص حقوق انسان دلیل دیگری برای فقدان مبنای نفس الامری و واقعی برای حقوق است.

ب. عینیت‌گرایی: در مقابل قراردادگرایان، عینی‌گرایان معتقدند اعتباراتی را که مربوط به حقوق انسان است بدون منشأ انتزاع عینی و واقعی نیست، و باصطلاح «کل ما بالعرض لابدان ینتهی الی مابالذات» هر امر عرضی باید به یک امر ذاتی بازگردد. اینان ابتدای حقوق را بر تشکیل جامعه انکار می‌کنند و قراردادی بودن تشکیل جامعه را نیز



نمی‌پذیرند و با تکیه بر مفاهیم مشترک در باب حقوق انسان در طول تاریخ، صرف مخالفت همگان را نقیض عینیت نمی‌دانند. این نظرگاه را اندیشمندان اسلامی نیز پذیرفته‌اند و حقوق را دارای منشأ انتزاع عینی می‌شمارند.

کرامت انسانی در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان قانون عالی و مبین حقوق بنیادین در اصل دوم کرامت انسانی را از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی برمی‌شمارد. کرامت در معانی سخاوت، شرافت، نفاست و عزت به کار می‌رود^۱. انسان دارای کرامت بالذات است؛ زیرا خداوند او را گرامی داشته و آسمان و زمین و پاکیزه‌ها را برای او خلق نموده و او را بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است (سوره اسراء، آیه ۷۰) تکریم انسان علیرغم این که از خاک آفریده شده است، به خاطر روح خدایی اوست و بر این اساس به فرشتگان دستور داده شد که بر وی سجده کنند (سوره حجر، آیات ۳۰ و ۳۱) این اصل در ادامه در جهت تحقق کرامت انسانی نفی هرگونه ستمگری و ستمکشی را به صراحت اعلام می‌کند. در روابط فردی، آنانکه دارای قدرت جسمی، فکری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باشند، خواسته یا ناخواسته، موجب پایمال شدن حقوق افراد ضعیف میشوند همه جلوه‌های ظلم از نظر قانون اساسی مردود اعلام شده است؛ ستمگری و ستمکشی و این از آن جهت است که خداوند هیچ ستمی را بر بندگان خود روا نمیدارد بیگمان این فقط ظالمین نیستند که ظلم میکنند بلکه آنان که تن به ظلم میدهند نیز شریک ستمکاران به حساب می‌آیند. قرآن کریم مردم را به پرهیز از ستمگری و ستمکشی فرا خوانده است پذیرش ستم همان اندازه قبیح است

نتیجه‌گیری

امروزه نفوذ حقوق بشر، مفاهیم و ارزشهای آن در حقوق خصوصی انکارناپذیر است. بیشتر نظامهای حقوقی در برابر این نفوذ تمکین کرده‌اند، لیکن به شیوه‌های متفاوت. برخی مستقیماً اعمال حقوق بشر در حقوق خصوصی را پذیرفته‌اند، برخی با اعتقاد به اینکه میتوان با بازنگری در مفاهیم موجود در حقوق خصوصی به حق بشر احترام گذاشت، شیوه اعمال غیرمستقیم را در پیش گرفته‌اند و برخی معتقدند از آنجا که دولت مکلف به رعایت حقوق بنیادین بشری است این تکلیف در قالب آراء دادگاه به مرحله ظهور میرسد که از آن به اعمال قضایی حقوق بشر تعبیر میشود. چارچوب و بیان قانون اساسی ایران به گونهای است که شیوه اعمال حقوق بشر در حقوق خصوصی ایران را ممکن می‌سازد. با این وجود مفاهیم حقوق خصوصی نظیر نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز به نفع حقوق بشر قابل تفسیرند و از این نظر شیوه اعمال غیرمستقیم نیز قابل پذیرش است. مفاهیمی چون کرامت انسانی که ریشه در حقوق بشر دارد امروزه به عنوان معیاری برای ارزیابی شروط قراردادی و دفاع از حقوق برای محدود «دلیل خوب» غیر قابل اسقاط، قابل استفاده است و میتوان از آن به عنوان یک کردن آزادی اراده در حقوق قراردادها بهره گرفت.^۱

^۱ قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، جلد ششم، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه، ص ۱۰۳



منابع:

جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۲)، تأثیر اراده در حقوق مدنی، چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش
 رضا عباسزاده، جعفر حسینی، امیر مسعود مظاهری، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، دانشکده پیشگیری از جرم
 و اصلاح و تربیت

فرزانه فرهادی، کمالالدین هریسی نژاد، حسین فخر، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۱
 سودا فخرآذر، رضا شکرزاده، موسسه آموزش عالی آفاق، دانشکده اقتصاد و علوم انسانی، ۱۳۹۸
 ر.ک، دهخدا، لغتنامه واژه حق، و نیز دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر حقوق اسلامی، قم، دفتر انتشارات
 اسلامی، ۴۴/۱۳۶۴.

قریشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، جلد ششم، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه، ص ۱۰۳
 هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص
 ۹۵

و ما الله يريد ظلما للعباد، سوره مومن، آیه ۳۱

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَمْ تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ سوره بقره، آیه ۲۷۹
 حجر: ۲۹

بقره: ۲۰

اسراء: ۷۰

Sepúlveda et al. ۲۰۰۴, p. توسط ۲۰۱۴ اوت ۱۶ در ۳Wayback Machine بایگانی شده
 Nickel ۲۰۱۰
 Beitz ۲۰۰۹, p. ۱
 Shaw ۲۰۰۸, p. ۲۶۵
 Freeman ۲۰۰۲, pp. ۱۵-۱۷
 Moyn ۲۰۱۰, p. ۸

هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ اول، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ص ۹۵

و ما الله يريد ظلما للعباد، سوره مومن، آیه ۳۱

فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَمْ تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ سوره بقره، آیه ۲۷۹